



کارگران جهان متحد شوید!

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست نیمه اول دی ماه ۱۳۹۸ // شماره ۱۷۴



کار ، مسکن ، آزادی

درباره حمله موشکی سپاه پاسداران به پایگاه های آمریکا در آخرین ساعات انتشار نشریه. خبرگزاریها از حملات موشکی سپاه پاسداران به دو پایگاه نظامی آمریکا در خاک عراق خبر دادند. بدین ترتیب با مصادف امروز با حمله موشکی سپاه پاسداران به ۲ پایگاه آمریکایی در عراق. کشمکش بین جمهوری اسلامی و آمریکا وارد فاز جدیدی شد.

در اولین واکنش خبرگزاری ایسنا به نقل از مقامات امنیتی ایران مدعی است که: دستکم هشتاد نظامی آمریکایی در حمله با مصادف چهارشنبه کشته شده اند. در این حمله همچنین تعدادی هواپیمای بدون سرنشین و بالگرد و تجهیزات فراوان نظامی آسیب های جدی دیده اند. «از طرفی برخی خبرگزاریها گزارش میدهند که این حملات تلفاتی دربر نداشته است. هنوز خبرهای موثقی از تلفات انسانی و خسارات مالی و نیز عکس العمل آمریکا، گزارش نشده است. اما تا همین جا بنا به ادعای رهبران رژیم قول «انتقام سخت» خامنه ای در تقابل با اقدام امپریالیسم آمریکا به کشتار قاسم سلیمانی و همراهان وی در نزدیک فرودگاه بغداد، عملی شده است. اینکه پیامدهای این اقدام چه خواهد بود، هنوز معلوم نیست. آنچه مسلم است و ما در اعلام موضع قبلی هم بر آن تاکید کرده ایم، جنگ و کشمکش میان جمهوری اسلامی که یک رژیم ارتجاعی و آزادی کش است، با امپریالیسم تجاوزگروسلطه طلب آمریکا که دستان هردو به خون مردم منطقه و ایران در پی نداشته و نخواهد داشت. تنها راه خلاصی و کشتار و آوارگی و تداوم ستم و استثمار در منطقه و ایران در پی نداشته و نخواهد داشت. تنها راه خلاصی از خطر جنگ و وپایان دادن به سرکوب و ستم و استثمار، کوتاه شدن دست امپریالیستها از سلطه طلبی و تجاوزگری و تعیین تکلیف بارژیمهایی است که همچون مافیای قدرت و ثروت چه در اتحاد با امپریالیستهای رنگارنگ و چه در تقابل با آنها، آزادی را در قفس کرده و زندگی را از توده های کار و زحمت ربوده اند.

نشریه کارکمونیستی صبح 18 دیماه 98

درآستانه ورود به سال 2020

سالی که گذشت

جهان نظاره گر جنب و جوشی است که در اغلب کشورها و شهر های مهم جهان برپا شده است. چراغانی میداین شهر ها ، برنامه های مختلف تلویزیونی ، رد و بدل شدن میلیارد ها کارت تبریک، فضای مه آلود و پر بیم و هراس ناشی از تداوم بحران سرمایه داری ، جنگ و بی خانمانی و بیکاری و گرانی و اعتراضات عمومی کارگران و زحمتکشان در اقصی نقاط جهان را موقتا به تسخیر در آورده است. فضائی پر از بیم و امید و شادی و اندوه که سرانجام با پیام های و هنر آلود و وعده و وعید های توخالی سران کشورها و رهبران نظام سرمایه داری به پایان خود میرسد ، در حالیکه کوله باری از بد و خوب ، امید و نا امید و شکست و پیروزی را از خود برجای گذاشته است.

ادامه در صفحه ۴

با حمایت از جنبش دادخواهی مستقل آرمان جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را پاس داریم

سرکوب بی رحمانه و خونین خیزش توده های تحت ستم و استثمار در آبانماه امسال چندان دور از انتظار نبود. چراکه رژیم حاکم بر ایران و طبقه ای که از قبل تشدید استثمار و دزدی و چپاول، ثروتهای بی کرانی را به جیب میزند بیش از چهل سال است هر صدای آزادیخواهی را با گلوله و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ داده است. نمیتواند بدون توسل به سرنیزه و سرکوب به حیات خود ادامه دهد. رژیم جمهوری اسلامی با کشتار دهه 60، قتلعام زندانیان سیاسی و براه انداختن شکنجه گاه های وحشتناک یک نسل از انقلابیون و انسانهای مبارز و تنشنه آزادی را به خاک و خون کشید و میلیونها نفر را مجبور به جلا وطن نمود. بسیاری از خانواده های زندانیان اعدام شده و ناپدید شده حتی از محل دفن فرزندان خود خبر ندارند.

ادامه در صفحه ۸

در صفحات دیگر :

- * بمناسبت سالگرد خاموشی " نیما یوشیج " پدر شعر نو صفحه ۶
- * حمایت از کانون نویسندگان ایران و نویسندگان و هنرمندان آزادیخواه یک وظیفه انسانی است. صفحه ۴
- * یک گزارش از وضعیت کودکان کار. صفحه ۹
- * " بیانیش " شعر صفحه ۱۰

تشدید تروریسم دولتی در منطقه. خطر جنگ و ضرورت همبستگی کارگران و زحمتکشان



صبح جمعه سیزدهم دیماه 98، قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس جمهوری اسلامی و ابومهدی المهندس، نائب رئیس هشد الشعبی عراق، بدستور ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در نزدیک فرودگاه بغداد توسط بهیاد های آمریکائی کشته شدند. کشته شدن سلیمانی نه اولین و نه آخرین قتل و کشتار در روند کشمکشها و درگیریهای سیاسی نظامی و نیابتی طولانی مدت امپریالیسم آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی است. درگیریها و کشمکشهاییکه برای توده های زحمتکش مردم ایران و عراق و منطقه، جز تشدید سرکوب، کشتار و فقر و جنگ و ویرانی و آوارگی، نتیجه دیگری در بر نداشته است.

۱- نزدیک به ده سال قبل توده های زحمتکش مردم منطقه در خلاصی از وضعیت فلاکت بار اقتصادی و سرکوب سیاسی، بر علیه دول سرکوبگرو مرتجع سرمایه داری منطقه، بپا خاستند و دست به قیامهای متعددی زدند. ...

ادامه در صفحه ۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

ادامه از صفحه اول

تشدید تروریسم دولتی در منطقه. خطر جنگ و ضرورت همبستگی کارگران و زحمتکشان

... در فقدان احزاب انقلابی و تشکلهای مستحکم کارگری، این جنبشها با دخالت نیروهای امپریالیستی و دول منطقه از مسیر خود منحرف و بخون کشیده شدند. دخالت مستقیم نظامی، سازماندهی جنگ نیابتی و ساپورت مالی و تسلیحاتی گروه ها و دسته جات مذهبی و عشیره ای، انداختن آنها به جان همدیگرو به جان مردم معترض و کسب میلیاردها دلار سود از طریق فروش تسلیحات، رونق قاچاق مواد مخدر، تاخیر و فروش انسان و گسیل خیل بیکاران و گرسنگان به جبهه های جنگ و کشتار، رویه ای بوده که دست تمام دول معظم سرمایه داری و دولتهای مرتجع منطقه را تا مرفق به خون و جنایت آلوده کرده است. جنگ طولانی و رقابت بین دول امپریالیستی و قدرت های مرتجع حاکم بر سر تجدید تقسیم مناطق نفوذ، صد ها هزار کشته، میلیونها مصدوم و آواره برجای گذاشته است، زیرساخت های اقتصادی نابود و شیرازه جوامع از هم پاشیده شده است.

۲- بعد از لشکرکشی امپریالیسم آمریکا به عراق و افغانستان، جمهوری اسلامی فرصت را برای گسترش منطقه نفوذ خود مناسب دریافت. سپاه پاسداران رژیم بخش برون مرزی، تحت نام «سپاه قدس» به فرماندهی قاسم سلیمانی، با قدرتهای درگیر در منطقه به رقابت و کشمکش و یا همکاری و بند و بست روی آورد، تا به روئیای «هلال شیعی» رهبران جمهوری اسلامی مادیت بخشد. نتیجه این کارزار، صرف میلیاردها دلار از دسترنج توده های زحمتکش مردمی بود که بیش از هشتاد درصد آنها در زیر خط فقر زندگی میکنند

جمهوری اسلامی و حاکمان عراق تلاش خواهند کرد تا جایی که میتوانند با دامان زدن به «ناسیونالیسم» مذهب و «میهن پرستی» و جو ضد آمریکائی، جنبش های اعتراضی را به حاشیه رانده و به بهانه رودرروئی با آمریکا - که به نوبه خود مورد نفرت توده های زحمتکش منطقه و مردم عراق و ایران است -، سیاست سرکوب و امحای هرگونه آزادیخواهی را تشدید کنند و فشار فزاینده اقتصادی و سیاسی برگرده توده های زحمتکش را افزایش داده و توجیه نمایند و از پاساژهای فساد، دزدی، رانت خواری و سرکوب، شانه خالی کنند. جمهوری اسلامی که در سالهای اخیر بیش از پیش مشروعیت خود را از دست داده است، تلاش خواهد کرد تا مرگ قاسم سلیمانی را به فرصتی برای تغییر جو سیاسی و اعتراضی میلیونی زحمتکشان و به فراموشی سپرده شدن مطالبات آنها تبدیل کند.

۴ - تردیدی نیست که فضای بوجود آمده از ترور قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس و همراهان آنها، برای هیئت حاکمه آمریکا و برای شخص ترامپ نیز فرصتی است تا ضمن پیشبرد سیاستهای استیلاجویانه خود در منطقه، مشکلات داخلی را به حاشیه براند. رقبای خود را که استیضاح وی را روی میز گذاشته اند به عقبنشینی واداشته و خویشتن را بعنوان کاندید مناسب انتخابات آینده ریاست جمهوری در نزد افکار عمومی صالح جلوه دهد. علاوه بر آن

و اعتراضات و اعتصابات آنها با گلوله و کشتار جواب داده میشود.

سپاه پاسداران که سلیمانی یکی از سرداران ذوب شده در ولایت فقیه آن بود. از نقطه نظر اکثریت توده های کار و زحمت و روشنفکران و جوانان ایران یک نیروی سرکوبگر محسوب میشود که تا کنون جنایات بیشماری مرتکب شده است.

۳- ترور سلیمانی و ابومهدی مهندس، در شرایطی برنامه ریزی شد که جنبشهای اجتماعی و توده ای در عراق و ایران گام در راه اعتلاء نهاد است. همزمان با خیزش توده ای عظیم آبانما در ایران، در عراق نیز ماه ها است که توده های مردم برای تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و سیاسی این کشور و قطع دخالت خارجی از جمله ایران و آمریکا، در خیابان بصره میروند. سرکوب خونین خیزش آبانما با هزاران کشته و زخمی و زندانی و ناپدید شده و تلاش ناموفق رژیم در فریب توده های مردم، عدم پاساژگویی به جنایت خونین و مطالبات مردم، به خشم و انزجار توده های زحمتکش افزوده است و نظام حاکم را بیش از گذشته در مخمصه قرارداده و با بحرانهای لاینحلی مواجه نموده است.

در چنین شرایطی ترور قاسم سلیمانی به فرمان ترامپ در واقع از آن «امدادهای غیبی» و «نعمات الهی» بود که به یاری رژیم مستأسل جمهوری اسلامی و دارودسته حاکم بر عراق آمد. رژیم

بالارفتن تنش در منطقه و خطر جنگ، به افزایش قیمت نفت صادراتی آمریکا و افزایش سهام شرکت های عظیم نظامی منجر خواهد شد که عملاً میلیاردها دلار سود نصیب انحصارات آمریکائی خواهد کرد.

۵- «جنگ ادامه سیاست با روش دیگر است» در جنگ نیز هر کدام از طرفین اهداف و منافع خود را دنبال میکنند، اکنون کشمکشهای جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا وارد مرحله حساسی شده است و خطر جنگ افزایش یافته است. هر چند که رهبران جمهوری اسلامی برای حفظ نظام حاضر هستند ده بار دیگر «جام زهر» را بالابکشند و اما احتمال وقوع هراتفاقی، از جمله درگیری نظامی دور از ذهن نیست. در این جنگ وجدال تلاش برای به حاشیه راندن جنبشهای اجتماعی و بسیج توده ها با تبلیغات میهن پرستانه بکلی کاذب و دروغین و منحرف کردن توجه آنها از معضلات داخلی و مطالبات اقتصادی و سیاسی به سمت فضای جنگی، از جمله اهداف دوطرف در بسیج و فریب توده های زحمتکش است. در حالیکه کارگران و زحمتکشان کشورهای مختلف دشمنی باهم نداشته و جنگی هم باهم ندارند که به گوشت دم توپ طبقه سرمایه دار این ویا آن طرف مخاصمه تبدیل شوند. طبقه کارگر و زحمتکشان برای خلاصی از ستم و استثمار و جنگ و سرکوب ناگزیر باید تکلیف خود را با طبقه حاکم کشور خویش یکسره کنند.

۶- اما نباید فراموش کرد که مبارزه علیه نظامات سرمایه داری از مبارزه علیه امپریالیسم جدانیست. سرمایه داری

و امپریالیسم دوروی یک سکه هستند که بخاطر تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری، چه در سطح ملی و چه در سطح بین المللی مشغول رقابت و جنگ وجدال و گسترش نفوذ خود بمنظور تسلط بر منابع طبیعی، نیروی کار ارزان و بازارهای فروش هستند. جنگ وجدالی که در آن میلیونها انسان قربانی میشوند، نیز محصول مناسباتی است که در آن انباشت سرمایه و سود، حرف اول را میزنند. از اینرو رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان ایران که اکثریت اهالی را تشکیل میدهند با منافع اساسی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی در تضاد است و چه بلحاظ سیاسی و نظری و چه عملی، بناگزیر در مقابل هر دو طرف مخاصمه قرار دارند و آنها دشمنان مشترک توده های عظیم کارگران و زحمتکشان منطقه و ایران هستند.

۷- آزادی کارگران و زحمتکشان که اکثریت اهالی را تشکیل میدهند، در گرو مبارزه با جنگ و سرکوب، ستم استثمار و سرنگونی طبقات حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خویش است. در این شرایط حساس کارگران پیشرو، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی، جوانان و دانشجویان باید تلاش کنند تا توده های کارگر و زحمتکش مردم نسبت به منافع طبقاتی خود آگاهتر شده و در دام

عوامفریبیهای رژیم و دسیسه های امپریالیستی گرفتار نشوند و به سازمانیابی، آگاهی و تشکل و انسجام خود روی آورند، تابتوانند در تخصصات دنیروی ارتجاعی، بصورت آگاهانه و مستقل جایگاه و موقعیت خود را برای ادامه مبارزه تا رسیدن به آزادی و برابری حفظ و توسعه و تقویت کنند.

تردیدی نیست که توده های زحمتکش مردم ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه که به خیزش های متعددی دست زده اند، خواهان آزادی، رفاه، پایان دادن به ستم و استثمار و جنگ و کشتار هستند. و پیشروی و پیروزی در این امر تنها با تشکل، وحدت و سازمانیابی جبهه انقلابی کارگران و زحمتکشان و مقابله با دخالتگریهای امپریالیستی و تشدید مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیمهای سرکوبگر و فاسد، با هدف سازماندهی ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها و گذار به سوسیالیسم امکان پذیر است.

برپاباد اتحاد و همبستگی کارگران و زحمتکشان سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی نابود باد امپریالیسم - زنده باد سوسیالیسم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست چهاردهم دیماه 1398

جهان در زیر سلطه نظام سرمایه داری با بحران همه جانبه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اکولوژیک مواجه است که خود زانیده نظامی است که در آن اکثریت عظیم تولید کنندگان، تنها بخش بسیار ناچیزی از نتایج کار خود را تصاحب می کنند در حالیکه بخش زیادی از آن تحت عنوان ارزش اضافی به جیب تعداد قلیلی سرمایه دار که صاحب ابزار تولید هستند سرازیر می شود تا دوباره در استثمار کارگران و باز تولید سود به کار افتد.

تا وقتی که این تضاد باقیست، بشر نه تنها از بحرانها و مصائب موجود خلاص نمی شود بلکه هر روز به سمت فاجعه ای که ممکن است به نابودی و بازگشت ناپذیری کل حیاتش منتهی شود سوق می یابد.

سالی که گذشت

ادامه از صفحه اول

... سال گذشته جامعه بشری همچنان در چنگال بحران نظام سرمایه داری به سر بردو ایعادی بسیار فراتر از سال قبل خود را تجربه کرد. گرانی، بیکاری، گسترش فقر، آلودگی محیط زیست، مرگ و میر میلیونی کودکان، زنان، جوانان، پیران، تداوم جنگ و کشتار و زجه وناله انسانهایی که زیر بمبارانها، بمب گزاریها و کشتارها و اعدامها، تکه تکه میشدند، تنها تبعات رو به بیرون وقابل مشاهده این بحران بود و ابعاد تاریخی ودرونی آن هنوز رونمائی نشده است، ابعادی که بشریت را به نابودی کامل تهدید میکند.

ناتوانی دول سرمایه داری در مهار بحران درسال گذشته واعتراف سران سرمایه به تداوم آن درسال جدید، چشم انداز تیره وتارتتری را برای ساکنین کره زمین تصویر میکند. چشم اندازی که در آن انحصارات سرمایه داری ودول حاکم با انداختن بار بحران بردوش اقشار و طبقات زحمتکش، بی حقوقی و استثمار وسرکوب را افزایش خواهند داد. آنها درترس از بروز جنبشهای اجتماعی وجلوگیری از اقبال کارگران وتوده های زحمتکش مردم از سوسیالیسم، بمثابه تنها راه خلاصی از نکبت سرمایه، زرادخانه های تئوریک و تسلیحاتی خود را به راه خواهند انداخت تا با فریب و نیرنگ و استفاده از مذهب و خرافه و از نژاد پرستی و ناسیونالیسم، افکار عمومی را از علل اصلی بحران کنونی منحرف سازند، آنها باز هم تلاش خواهند کرد جنبش های اجتماعی را از مسیر اصلی منحرف کرده و از بروز انقلابات اجتماعی و سرنگونی نظام سرمایه داری جلوگیری کنند.

شادباش بمناسبت فرارسیدن سال جدید میلادی

بدینوسیله فرارسیدن سال ۲۰۲۰ میلادی را به همه کارگران و زحمتکشی که این روز را جشن میگیرند. شادباش میگوئیم. و امیدواریم سال جدید سال گسترش مبارزه برای رسیدن به زندگی عاری ازستم و استثمار. زور و سرکوب. جنگ و کشتار و سال اتحاد و مبارزه برای پایان دادن به تبعیضات جنسی، ملی و مذهبی و سال بیداری. اتحاد و پیروزیهای بیشتر اردوی کار و زحمت علیه سرمایه و اختاپوس قدرت و ثروت در سراسرجهان باشد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹

درسال گذشته جنبشهای اجتماعی درایران نیز اوج وگسترش بی سابقه ای را تجربه کرد، اعتصابات کارگران کارخانه ها و مجتمع های صنعتی وکشاورزی، خدمات و حمل و نقل باطرح مطالبات وشعارهائی همراه بود که نشان از سطح متکامل آگاهی طبقاتی و درک این موضوع داشت که طبقه حاکم دستگاہ سرکوبگر دولتی آن قادربه پاسخگوئی به حداقل مطالبات آنها نیستند و چاره ای جز تغییرات بنیادی درساختارهای اقتصادی واجتماعی جامعه برای برون رفت ازوضعیت مشقت بار حاضر وجود ندارد و آنها شعارهائی رادیکال وانقلابی که مطرح کردند، راستای راه حل خودرا برای چشم انداز آینده به جامعه ارائه دادند. این شعارها ازواقعیت عینی جامعه نشات میگرفت ودردل ها می نشست. همچنین شعار نان کارآزادی ویا کارمسکن آزادی- هرچند که درمحدوده معینی ازطرف کارگران مجتمع های بحران زده، نظیر نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز مطرح شد وهنوز کل طبقه کارگربه این سطح از خواسته ها نرسیده اند، اما طرح این شعارهای رادیکال واتخاذ تاکتیک های اثرگذار درجریان اعتصابات کارگران این مجتمع ها ومقابله بانبروهای سرکوبگر رژیم درس های آموختنی زیادی برای سایر کارگران سراسرایران و همینطورزحمتکشان متحد آن دربرداشت.

جنگ وسلطه طلبی ذاتی نظام سرمایه داری است. صاحبان زر وزور با تشدید بحرانهای اقتصادی همچنان برطبل جنگ خواهند کوبید. اما دراین وانفسای دنیای وارونه نظام طبقاتی، نقطه امید وچشم انداز روشنی هم وجود دارد. طبقه کارگر، توده های مردم و بطور کلی بشریت مترقی از زیر سایه سنگین اختاپوس سرمایه سربلند میکنند و بیدار میشوند و سرانجام دوست و دشمن طبقاتی خود را تشخیص میدهند ومیخواهند دردنیائی عاری از ظلم و ستم و استثمار و جنگ وسرکوب زندگی کنند و آنها سرانجام درمییابند که برای رسیدن به آمل و آرزوهای انسانی خود از خدا و پیغمبر و نمایندگان رنگارنگ آنها درروی زمین کاری ساخته نیست و آنهاجز تطهیر نظم استثمارگرانه موجود ومشروعیت بخشیدن به ادامه آن، کاردیگری نخواهند کرد. طبقه کارگر وتوده های مردم درجریان مبارزات روزمره به آگاهی طبقاتی دست مییابند و درمییابند که تغییر وضع موجود درگرو قدرت و توانائی خود آنها و مبارزه متشکل شان برعلیه عامل اصلی ادبار خویش، یعنی نظام منحط سرمایه است و بس. سال گذشته دنیا شاهد عظیم ترین اعتصابات و اعتراضات کارگری بود. میلیونها کارگر و زحمتکش جهان درکشورهای مختلف دراعتراض به ادامه وضع موجود دست به اعتصاب زدند ویا به خیابانها ریخته و میدانها را به اشغال خود درآوردند.

سالی که گذشت...

رژیم جمهوری اسلامی تلاش بی وقفه ای کرد تا از طریق فریب و سرکوب و به زندان انداختن رهبران کارگران، با ایجاد فضای رعب و هراس مانع ادامه حرکت‌های اعتراضی بشود. اما این اقدامات نه تنها مانع گسترش و ادامه مبارزات کارگران نشد، بلکه نتیجه عکس آنرا ببار آورد و رژیم حاکم را در نزد افکار عمومی توده های زحمتکش مردم رسواترو ضعیف تر از قبل نمود و خشم و نفرت توده های زحمتکش تحت ستم و استثمار را متراکمتر کرد تا جائیکه گوئی به جرعه ای بندبود تاشعله ور گردد. و این جرعه در ۲۴ آبانماه با افزایش ناگهانی قیمت بنزین که مستیقا به افزایش هزینه های جاری زندگی توده های مردم میانجامید، زده شد و صد هاهزار از اقشار مختلف توده های محروم و زحمتکش در شهرهای کوچک و بزرگ کشور به خیابانها آمدند و بدون ترس و واهامه از نیروهای سرکوبگر، با طرح شعارهای متعدد، اعلام کردند که دیگر حاضر نیستند وضعیت فلاکتبار موجود را تحمل بکنند. توده های بپا خواسته در مواجهه با نیروهای سرکوبگر رژیم که بصورت وحشیانه ای آنها را به گلوله میبستند و مورد ضرب و شتم قرار داده و کشتار میکردند، به مقابله برخاستند و بیش از پنج روز در برابر انبوه نیروهای مسلح و ارازل و اوباش جیره خوار نظام حاکم مقاومت کردند. در این خیزش عظیم و کم سابقه صدها نفر از توده های بپاخواسته توسط سرکوبگران به قتل رسیدند و هزاران نفر زخمی و مصدوم شدند و هزاران نفر دیگر دستگیر شدند که هنوز بعد از گذشت یک ماه و نیم نه از تعداد جانباختگان اطلاعات موثقی منتشر شده است و نه از تعداد زخمی ها و بازداشت ها خبری است.

همه شواهد و قرائن نشان میدهند که فشارهای اقتصادی کمر شکن برگرده اکثریت مردم، یعنی توده های زحمتکش و محروم، طاق

تحمل آنها را فروریخته است و همزمان هرگونه توهمی را نسبت به اصلاح امور در چهارچوب رژیم از دست داده و راهی جز مبارزه برای تغییرات بنیادی در جامعه و سرنگونی نظام حاکم در پیش روی ندارند و ترس از سرکوب جای خود را به شجاعت و استقامت داده است و از طرفی رژیم نیز هیچگونه راه حلی برای حل بحران، جز توسل به سرکوب نمیبیند و ندارد. اما توده های میلیونی زحمتکش مردم را نمیتوان با سرکوب و کشتار و زندان به خانه هایشان برگرداند که دیگر آهی در بساط ندارند که با آن سودا کنند و اولیه ترین معیشت زندگی خود را تامین بکنند. دلایل کافی وجود دارد که به این یقین برسیم که سرکوب بی رحمانه خیزش آبان نمیتواند مانع اوج گیری دوباره خیزشهای توده های زحمتکش مردم به جان آمده شود و در چشم انداز آینده این خیزشها بار دیگر بوقوع خواهند پیوست.

اما آنچه که اهمیت دارد فقط در نظر گرفتن نقاط قوت این خیزشها نیست، بلکه مهمتر از آن نقاط ضعف و کمبود های آنها را هم باید مدنظر قرار داد که مانع مهم تحقق خواست ها و مطالبات سیاسی و اقتصادی توده ها است. مهمترین ضعف این جنبشها بی هدف و نیز بی برنامه و سازمان بودن آنهاست. به عبارت دیگر فقدان تحزب و تشکلی است که مورد اعتماد و وثوق طبقه کارگر و توده های مردم بوده و دارای پیوند ارگانیک با آنها باشد و بتواند آنها را از پیچ و خم مبارزه و از فراز و نشیبهای راه عبور دهد، از کمبود های مهم مبارزه جاری کارگران و زحمتکشان ایران است. مهمترین و تواناترین طبقه در میان انبوه میلیونی اکثریت تحت ستم و استثمار که موج و اریه اعتراض بر میخیزند، طبقه کارگر است که بدلائل مختلف - که این مقاله جای تشریح و توضیح آنها نیست - هنوز نه دارای آگاهی طبقاتی تعمیم یافته و سراسری است و نه از تشکلی صنفی و سیاسی لازم برخوردار است و در اغلب قیامها و شورشهای خودانگیخته توده

ای، نظیر خیزش آبان ماه بصورت یک طبقه در صحنه نبرد حضور ندارد و در حالیکه توده ها در اعتراض به وضعیت موجود و برای رهایی از این نظام ستم و استثمار در مصاف با نیروهای سرکوبگر به مقاومت و استقامت دست میزنند، اما شاهد یک اعتصاب سیاسی حمایتی از سوی نه کل طبقه و نه این یا آن مرکز کارگری هستیم. اینها صد البته نکات ضعف بسیار روشنی هستند که خیلی از جریانات مدعی داشتن موضع انقلابی و طرفداری از طبقه کارگر آنها را نمیبینند و یا نمیخواهند ببینند تا مجبور نباشند برای چاره اندیشی رفع این کمبودهاشان را زیر بار مسئولیت بدهند. در عوض تلاش میکنند با سردادن شعارهای آتشین و ذهنی، و فرمانهای بدون پشتوانه عملی، احساسات خود را فرو بوشانند. در حالیکه باید ضعف ها و کمبودهای جنبشهای اجتماعی بویژه خیزشهای خود جوش و ناگهانی را دید و برای برطرف کردن آنها چاره اندیشی کرد.

امید که سال ۲۰۲۰ میلادی با تلاش سازمان یافته کارگران پیشرو، زحمتکشان، جوانان و سازمانهای انقلابی، سطح آگاهی و تشکلی توده ها و طبقه کارگر چه در عرصه مبارزات اقتصادی و چه سیاسی ارتقاء یابد و نیز تلاش برای متحد شدن نیروی کار و زحمت در یک جبهه انقلابی که قادر به هدایت مبارزات توده های بپا خاسته باشد، به ثمر بنشیند. باید کوشید تا میلیونها انسان کارگر و زحمتکش دریابند که با اراده متحد و متشکل خود قادرند اقلیت بسیار ناچیزی از صاحبان سرمایه و ثروت و زر و زور را ازاریکه قدرت به زیر کشیده و بر سر نوشت خود حاکم شوند.

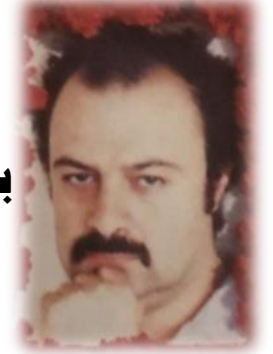
یدی شیشوانی

نهم دیماه ۱۳۹۸

۳۰ دسامبر ۲۰۱۹



نوشته ای از رفیق جان باخته نیوشا فرهی بمناسبت سالگرد خاموشی « نیما » شاعر آزاده (یوشا))



سوی مبارزان ایرانی هم اکنون در خارج و داخل کشور چاپ می کنند هرگز از ((مرغ آمین)) و ((پادشاه فتح)) که از ناب ترین اشعار سیاسی معاصرند و مصداق روز دارند، ردپایی نمی بینند و اثری از کلام انقلابی و خلقی شاعر آزاده و سنت شکنی یوش نیست! شاعری که معتقد بود:

((تن من یا تن مردم، همه را با تن من ساخته اند

و به یک جور و صفت می دانم که در این معرکه انداخته اند.

نبض می خواندمان با هم و میریزد خون،
لیک کنون

به دلم نیست که دریابم انگشت گذار

کز کدامین رگ من خونم می ریزد بیرون))
چرا شاعر خلق برای خلق ناشناس و نامفهوم است؟ چرا او را حتی تحصیلکردگان و آگاهان و به اصطلاح روشنفکران هم نمی شناسند؟! و چرا حتی نیروهای انقلابی و پیشرو و مترقی هم با شعر طوفانی و به معنی گسترده ی کلمه سیاسی ی نیما بیگانه اند؟!

ریشه های اصلی این واقعیت تلخ را باید در دو نکته کلی تاریخی جستجو کرد:

1. زبان خاص نیما

2. اختناق و استبداد ثوران پهلوی.

((زبان ویژه نیمایی)) حاصل عوامل متعدد تاریخی و اجتماعی است. شکستن سنت هزار ساله ی شعر غنی فارسی و سعی و کوشش در تطبیق دادن ((وزن و قافیه)) با ((اندیشه و محتوا)) بر خلاف رسم معمول طبعاً پیچیدگی ها و دشواری هایی بدیهی را ایجاد می کرد که این نوع گره ها در طول زمان و پس از گذشتن از فیلترهای مختلف گشوده خواهند. نیما در باب قافیه می گوید: (قافیه، غلام شاعر است، نه شاعر غلام قافیه، و من قافیه را برده ی خویش ساخته ام و وزن هایی آفریده ام تا وزن ها مرا نیافرینند زیرا که من در تنگنای وزن های موجود نمی گنجیدم.))

اما شعر نیما هیچ کار رخصت آنرا نیافت تا به گونه ای بنیادی و اصولی محک زده شود، و غربال گردد و زیر ذربین قرار گیرد؛ چرا که اختناق و استبداد حاکم هرگز نمی توانست تحمل کند که اندیشمند، محقق و فرزانه ای به بررسی و نقادی آثاری بپردازد که منتهی ی

شعر. از میان مردم برخاست و برای مردم سرود، اما چون والت ویتمن ((نه برای نخستین بار و نه برای آخرین بار در تاریخ هنر، فراموش شدگان و مطرودینی که شاعر بسراغ آنان رفته بود، وی الهام خویش را از آنان و زندگی آنان گرفته بود، وی را درک نکردند و حتی احساس هم نکردند که الهام بخش او هستند ... شعرهای غریب و عصبیانی او با طعن و لعن هنرشناسان و اهل ادب و با سکوت و بی اعتنایی مردم عادی روبرو گشت. اما او با زندگی مردم آشناتر از آن بود که سکوت بهت زده ی آنانرا حمل بر حق ناشناسی یا ناهمی و یا بی ارزشی ایشان کند. او احساس می کرد و چه بسا که به یقین می دانست این گروه انبوه چنان در گرداب تلاش و زحمت روزانه خود دست و پا می زنند که فرصت آن که سر بر آورد و انعکاس هنری زندگی پرتلاطم خود را باز ببیند ندارد. او می دانست که اکثریت مردم همانگونه که از ثمره ی مادی کار و زحمت خود محروم گشته اند از حاصل هنری تلاش خویشان نیز محرومند. هم این است که وی هرگز سرخورده و ناامید نشد و انسان و پرستش انسان همواره موضوع و انگیزه ی شعرهای او ماند.))

آری، نیما از ((آهنگر)) و احساس او و اندیشه هایش می سراید، اما هرگز آهنگری هنگام گداختن پولاد این سروده را زمزمه نمی کند! نیما زندگی طاقت فرسا و رنج های بی شمار ((شب پا)) ی مزرعه ی برنج را در شعرش فریاد می کند و تصویری هولناک از یک شب زندگی او و اینکه چگونه همسرش می میرد و بعد دو فرزندش در تب جان می کنند، میکشد؛ اما هرگز هیچ شب پایی در شمال ایران نمی داند که چگونه قلب نیما برای او می تپیده! و در نشریات سازمانهای انقلابی و شب نامه های گروه های مترقی و در میان این همه شعری که از

برتولت برشت می نویسد " امروز نویسندگان ای که بخواد با دروغ و جهالت مبارزه کند و حقیقت را بنویسد باید دست کم با پنج مشکل در افتد. برای چنین نویسنده ای دلآوری گفتن حقیقت لازم است، در حالی که حقیقت را همه جا خفه می کنند. هوشیاری باز شناختن حقیقت لازم است در حالی که همه جا آنرا پنهان می دارند. این هنر لازم است که از حقیقت سلاحی ساخته شود. نیروی تشخیص دادن و انتخاب کردن کسانی لازم است که حقیقت در دست آنان موثر و کاری واقع شود. و سرانجام بسیاری تغییر لازم است تا حقیقت میان چنین مردمی گسترش یابد. این مشکلات برای کسانی که در حکومت فاشیستی چیزی می نویسند عظیم است. عین این دشواری برای کسانی که از وطن رانده شده اند یا فرار کرده اند و برای کسانی که در دموکراسی های بورژوازی به سر می برند نیز وجود دارد.)) آنچه برشت بعنوان ((پنج مشکل در راه نوشتن حقیقت)) طرح کرده در واقع ((پنج مشکل در راه بیان حقیقت توسط یک هنرمند متعهد)) است، حال چه نویسنده، چه شاعر و چه سینماگر و ... باشد.

به جرأت می توان گفت که این پنج خصوصیت در نیما وجود داشت، خاصه ((هوشیاری)) باز شناختن حقیقت و از آن ((سلاح)) ساختن.

شانزدهم دی ماه ۲۲ سال از خاموشی شاعری می گذرد که به معنی اخص کلمه ((شاعر)) بود. بعضی ها شعر می گویند اما هرگز شاعر نیستن! و بعضی ها شعر نمی سرایند اما شاعرانه، مایاکوفسکی وار، نرودا گونه و برشت مانند می زیند و می میرند و شهید می شود.

نیما از معدود شاعران تاریخ سرزمین ما است که هم شعرش اصیل بود و هم نحوه زیستنش. شعر زندگی بود و زندگی اش

حمایت از کانون نویسندگان ایران و نویسندگان و هنرمندان آزادیخواه یک وظیفه انسانی است.



بکتاش آبتین کیوان بازن رضا خندان (مهبادی)

بیدادگاه های رژیم ددمنش جمهوری اسلامی سه تن از اعضاء کانون نویسندگان ایران، رضا خندان، بکتاش آبتین، هریک را به ۶ سال زندان و کیوان بازن را به سه سال و نیم و حسن سعیدی عضو سندیکای شرکت واحد را به ۵ سال زندان محکوم کردند. قبل از این سه تن از اعضاء کانون به ۱۸ سال زندان محکوم شده بودند

از دوران ستم شاهی تاکنون کانون نویسندگان ایران همواره از پیشگامان مبارزه برای آزادی اندیشه و بیان در ایران بوده و بسیاری از اعضاء مبارزان در دوران شاه و شیخ بخاطر دفاع از آزادی اندیشه و بیان و دفاع از مبارزات آزادیخواهانه توده های زحمتکش به زندان افتاده و شکنجه و اعدام شده اند اما این کانون برغم تمام فشارهای سیاسی و مشکلات اقتصادی، دستگیر، صرب و شتم و زندان و اعدام اعضاءش، تاکنون استقلال کانون را حفظ نموده و به اهداف آن وفادار مانده اند.

احکام ضد انسانی بی دادگاه های رژیم درباره نویسندگان و هنرمندان آزاده امر تازه ای نیست آنها این سیاست های سرکوبگرانه را چهل سال است پی میگیرند اما قادر نشده اند کانون نویسندگان را به سکوت و تسلیم وادارند این احکام نیز جز نفرت بیشتر از رژیم حاکم نتیجه ای برای مستبدین نشسته بر قدرت نخواهد داشت. وظیفه نیروهای انقلابی، انسانهای آزادیخواه و توده های زحمتکش است که از کانون نویسندگان، اهداف آن دفاع کرده و خواهان آزادی نویسندگان در بند باشند. حمایت از نویسندگان و هنرمندان آزادیخواه یک وظیفه انسانی است.

آهنگ

نیما یوشیج

در درون تنگنا. با کوره اش. آهنگر فرتوت

دست او بر پتک

و به فرمان عروقت دست

دائماً فریاد او این است. و این است فریاد

تلاش او:

«**کی به دست من**

آهن من گرم خواهد شد

و من او را نرم خواهم دید؟

آهن سرسخت!

قد برآور. باز شو. از هم دوتا شو. با خیال

من یکی تر زندگانی کن!»

زندگانی چه هوسناک است. چه شیرین!

چه برومندی دمی با زندگی آزاد بودن.

خواستن بی ترس. حرف از خواستن بی

ترس گفتن. شاد بودن!

او به هنگامی که تا دشمن از او در بیم

باشد

(آفریدگار شمشیری نخواهد بود چون)

و به هنگامی که از هیج آفریدگار

شمشیری نمی ترسد.

ز استفانهای آسانی که در زنجیر زنگ

آلوده ای را می دهد تعمیر...

بر سر آن ساخته کاو راست در دست.

می گذارد او (آن آهنگر)

دست مردم را به جای دست های خود.

او به آنان. دست. با این شیوه خواهد داد.

ساخته ناساخته. یا ساخته ی کوچک.

او. به دست کارهای بس بزرگ ابزار می

بخشد.

او. جهان زندگی را می دهد پرداخت!

آن بدون تردید رسوایی فاشیسم حاکم و رو کردن دستهای خون باره نظام قاهر بود و حتی همین استبداد و خفقان همواره باعث شده که شاعر سخنش را بزبان سمبولیک و مملو از استعاره و در استتار بیان کند، که خود این واقعیت بر پیچیدگی زبان نیما افزوده است. اگر حافظ از ترس حکام و قشریون وقت و شحنة های پاسدار منافع ایشان به راز و رمز و سمبول پناه برده، و شاعر زمان مشروطیت هم همین مشکل را داشته و از شر داروغه و گزمه در امان نبوده، بدیهی است که همه مسایل برای شاعر دوران آریا مهری چندین برابر گشته، چرا که گذشته از پلیس و ژاندارمری و ارتش، سرو کارش با فرماندار نظامی و بعد با ساواک بوده.

و از این رو هرچه دشمن زیرک تر و مقتدرتر گشته سخن شاعر ناگزیر سمبلیک تر شده و ماجرا به همین منوال بوده تا رستاخیز سیاهکل که آغاز دوره تازه ای است. از این رو درباره نیما ((انشاء)) بسیار نوشتند اما هرگز با او و آثارش برخوردی دیالکتیک و علمی نشد، حال آنکه فقط از این طریق می توان به ژرفای جهان بینی او پی برد و راهی گشود به شناسایی بیشترش، که این نیز دریچه هایی را به روی بهتر فهمیدن و ساده تر خواندن آثار او باز خواهد کرد.

نیما قلم به دستی متعهد بود - آن گونه که سارتر در ((ادبیات چیست)) تعریف و تفسیر می کند. و هنرمندی مردمی و ایرانی بود که موفقیت تاریخی و اجتماعی سرزمینش و نیازهای آنرا بخوبی می شناخت - آن گونه که شهید انقلابی سلطانیور در ((نوعی از هنر، نوعی از اندیشه)) وجود چنین هنرمندی را در ایران ضروری می داند و خصوصیات او را شرح می دهد.

در صفحات محدود ایرانشهر نمی توان مبحث عظیم ((مشکل نیما)) را باز گشود. اما یادش برای ما گرامی است و خاطره اش، همچون شعرش جاوید.

به امید روزی که نیما را در معابر، بالای سکوها، پشت تریبون ها برای توده ها بخوانیم.

نیوشا فرهی

15 دیماه 1360

باحتیامت از جنبش دادخواستی مستقل آرمان جانباختگان راه آزادی وسویالیسم راپاس داریم

ادامه از صفحه اول

از کشتارهای آبانماه فراخون های مختلفی از سوی خانواده ها ،بستگان برای بزرگداشت یاد جانباختگان آبان ماه و چهل سال حاکمیت اسلامی داده شده است . روشن است دادخواستی خانواده ها نیز عرصه ای از مبارزه طبقاتی است که در جامعه جریان دارد. با ید مورد حمایت قرارگیرد. بیش از چهل سال است که خانواده های کشتارهای دهه شصت و قتل های زنجیره ای و خانواده های صد ها زندانی سیاسی و اعدام شده و سربه نیست شده پرچم دادخواستی را بر غم تحمل سختیها و مشقت های بسیار بردوش خود حمل کرده اند و نگذاشتند این پرچم بر زمین افتد و آرمانهای آزادیخواهانه وسویالیستی و برابری طلبانه جانباختگان به حاشیه رانده شود و جنایات رژیم به پرده فراموشی سپرده شود و امروز این پرچم ،پرچم تمام خانواده های جانباختگان جنبشهای اجتماعی در طول سالهای اخیر و نیز پرچم خانواده جانباختگانی است که درخیزش انقلابی آبانماه به خاک افتادند . باید باتمام قوا وامکانات از دادخواستی مستقل خانواده ها حمایت کرد . در عین حال نباید فراموش کرد که در طول این چهل سال، دادخواستی خانواده ها، علاوه برداشتن استقلال از جریانات ارتجاعی شاه الهی و موج سواران مرتجع، همواره مضمون و اهداف مبارزاتی را که فرزندان وبستگان انقلابی آنها در راه اش جان باختند، حفظ نمودند. و در مبارزات وتجمعاتشان متبلور کردند.

امروز مدعیان پرشماری از نیروهای مخالف جمهوری اسلامی و یا منتقدین برخی از سیاست های آن، باداشتن امکانات مالی فراوان و یا برخورداری بودن از حمایت دولت های امپریالیستی ودول مرتجع منطقه و رسانه های برون مرزی در تلاش سوار شدن بر موج اعتراضات و احساسات خانواده ها باهدف رهبرسازی برای جنبشهای اجتماعی هستند که بر علیه ستم واستثمار سرمایه داری وزور و سرکوب نظام ضد مردمی حاکم به پا خاسته اند در حالیکه خود در پی استقرار همان مناسباتی هستند که توده های مردم حوهران برافتادن آن هستند. جالب است که خاندان جنایتکار پهلوی و افراد و گروه هایی از جناح بندی های حکومتی که دستشان به خون توده های مردم آغشته است اکنون به یاد جانباختگان راه آزادی و برابری افتاده اند وتلاش میکنند بانجام مصاحبه ها و انتشار بی وقفه اعلامیه ها و اشاعه انواع نظریات از رسانه ها هژمونی خود را بر جنبش های اجتماعی توده زحمتکش مردمن غالب کرده وانواع حکومت های مورد نظر خود از پادشاهی گرفته تا اسلامی تعدیل یافته در ذهنیت توده های بجان آمده بکارند. ماضن اعلام همبستگی با دادخواستی خانواده ها وبستگان جانباختگان ،توده های کارگر وزحمتکش مردم وانسانهای آزادیخواه را به اعلام همبستگی و تداوم مبارزه تاسرنگونی انقلابی نظام حاکم فرامیخوانیم . و آنها را از افتادن در دام فرصت طلبان و موج سواران بر حذر میداریم . جنبش دادخواستی باید با دفاع از آرمانهای جانباختگان راه آزادی وسویالیسم بامر زبندی با جریانات فرصت طلب و آزادی ستیز ،استقلال خود را حفظ کرده و آرمانهای فرزندان خود را پاس دارد .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باسوسیالیسم

... اما در طول این سالهای سیاه ،مبارزه نیز ادامه داشته است جون بدون مبارزه ومقاومت اساسا سرکوب نیز معنی نمیداشت. مبارزات انقلابی ودلیرانه زنان ومردانی که در راه تداوم وپیروزی قطعی قیام بهمن ماه 57 با هدف استقرار آزادی و سویالیسم پیکار کردند و در مقابل رژیم جمهوری اسلامی تازه بقدرت رسیده و دسیسه های امپریالیستی برای به شکست کشاندن قیام توده ها ایستادند و زندانها ،شکنجه گاه ها و اعدامهای دسته جمعی نتوانست اراده آنها را در دفاع از آرمانهای انسانی درهم شکند . آنها جانهای عزیزشان را فدای رهائی توده های زحمتکش نمودند . از آن پس نیز بر غم افت وخیزها وفرازونشیب ها، مبارزه همچنان ادامه یافته است و در این میان خانواده های زندانیان سیاسی و قتل عام شدگان دهه شصت و قتل وکشتارهایی که بعد از آن بوقوع پیوست همواره مشعل مبارزه برای دادخواستی را در سخت ترین شرایط برافراشته نگهداشته اند . در دهه اخیر با تشدید بحران اقتصادی و رواج فساد گسترده در دستگاه مافیائی حاکمیت، توده های کارگر و زحمتکش که در زیر بار فشار اقتصادی و سرکوبهای سیاسی جانشان به لب رسیده است به نحو گسترده تری پای به میدان مبارزه گذاشته اند، توهمات اولیه شان نسبت به سیاست های اصلاح طلبانه و عوامفریبانه جناح های رنگارنگ رژیم و اپوزیسیونهای سازشکار فرو ریخته است و ترس از سرکوبگریهای رژیم جای خودش را به شجاعت رودرروئی با ماشین جنگی و نیروهای سرکوب داده است . همزمان فساد و دودستگی سردمداران رژیم را با بن بست های عدیده ای مواجه نموده است . گسترش و عمومیت بافتن اعتصابات کاری و اعتراضات توده ای در دهه اخیر وخیزش عمومی توده های زحمتکش مردم به جان آمده در دهه سوم آبانماه امسال، باردیگر نشان داد که رژیم جمهوری اسلامی ومافیای قدرت وثروت با تمام دسته بندیهای ریزو درشت خود جایگاهی در میان اکثریت توده های کارگر و زحمتکش جامعه ندارد و در سراسرییی سقوط مختوم خود قرار گرفته است . مهمتر از آن اینکه تکیه بر اعتقادات دینی وسلسله مراتب مرجعیت ،ماجر اجوئی هایش در منطقه وجهان و ژست های میانتهی مبارزه با «استکبار» راهگشای مقابله با جنبشهای اجتماعی نیست . رهبران رژیم بادرک نفرت بی پایان توده های رنج دیده از نظم حاکم بود که با آمادگی قبلی به سرکوب خونین خیزش آبانماه دست زدند . صد ها نفر را کشتند ، هزاران نفر زخمی و هزاران تن دیگر دستگیر و از سرنوشت صد ها مفقود شده دیگر اطلاعی در دست نیست . اما این سرکوبگریهای بی رحمانه نتوانسته ونمیواند توده های زحمتکش مردم را که بار تمام بحران اقتصادی و دزدی و ثروت اندوزی اقلیتی کوچک از مافیای قدرت وثروت را بردوش میکشند ،از تداوم مبارزه بازدارد . مبارزه به اشکال مختلف تاسرنگونی نظام حاکم ادامه خواهد یافت .

در این مبارزات بدون شک خانواده های جانباختگان و دادخواهان چهل سال کشتار رژیم از جایگاه ویژه ای برخوردار است . اکنون بعد

یک گزارش از وضعیت کودکان کار

وقتی نیروی انتظامی یک رژیم مافیایی می خواهد "باندهای مافیایی" کودکان خیابانی را شناسایی کند!

همواره اعلام کرده که برای نگهداری از کودکان بی‌سرپرست، بودجه لازم را ندارد چه برسد به نگهداری و حمایت از کودکان خیابانی.

همواره این ادعا وجود داشته که کودکان خیابانی توسط "باندهای مافیایی" سازماندهی و در مراکز و مناطق مختلف شهرها مستقر و پس از پایان ساعت کار دوباره به مراکز اقامتی حاشیه شهر بازگردانده می‌شوند. نتیجه ساعت‌ها "زباله گردی" آنها نیز در مراکز انباشت زباله و نخاله گردآوری و توسط پیمانکاران فروخته می‌شود.

اما سام بوربور، مدیر انجمن دیده بان حقوق کودک در ایران، در این باره به روزنامه "ایران"، گفته است که گروهی از پیمانکاران شهرداری "کودکان را" استئمار" و برای جمع آوری ضایعات، زباله و ... راهی خیابان می‌کنند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد حدود ۴۰ درصد کودک و نوجوان موسوم به کودکان خیابانی، تابعیت غیرایرانی دارند.

فرزانه مروستی، مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، در گفتگو با ایلنا، وجود این کودکان وارد شده به ایران را تایید و در همین حال تصریح کرد که برای رفع مشکل باید موضوعاتی به شکل حقوقی و بین‌المللی و در حوزه ملی و فراملی حل شود.

به گفته وی، در سال‌های اخیر، تعدادی از کودکان افغان به صورت "قاچاق" وارد ایران شدند و چون فاقد سرپرست دارای اوراق شناسایی هستند، بهزیستی نمی‌تواند آنها را تحویل دهد.

این مسئول در استانداری تهران همچنین گفت که استانداری تهران مسئول شناسایی و برخورد با قاچاقچیان کودکان خیابانی نیست و فقط شاهد ورود غیرقانونی این اتباع است. بسیاری از فعالان حقوق کودک همواره گفته‌اند تا زمانی که اقدامات ریشه‌ای برای برطرف کردن مشکلات اقتصادی خانواده‌های حاشیه نشین صورت نگیرد، در بر همان پاشنه قبلی می‌چرخد؛ بهزیستی و شهرداری چند کودک را از سطح خیابان جمع آوری می‌کنند ولی کودکان جدید جاهای خالی را پر می‌کنند.

بسیاری از کنشگران حقوق کودک در ایران پس از انتشار تصاویری از برخورد نامناسب مجریان با کودکان کار و خیابانی، به شیوه اجرای آن اعتراض کردند. این طرح بدون نتیجه ماند.

در انتظار کودکان خیابانی بیشتر

با وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی در ایران، رسانه‌ها از گسترده‌تر شدن حضور کودکان خیابانی خبر می‌دهند. نگرانی جدی این است که کودکان کار به دلیل کاهش درآمد در این کارگاه‌های غیر مجاز فاقد شرایط مناسب کار، روانه خیابان‌ها شوند. فشار گرانی‌ها و به دنبال آن کاهش یافتن درآمد خانوار نیز از مهم‌ترین انگیزه‌هایی است که می‌تواند به جمعیت کودکان خیابانی اضافه کند.

برخی گزارش‌ها اعلام کردند کودکان کار به ازای ۱۱ ساعت کار رقمی کمی بیش از ۳۵۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند. اما میزان دستمزد کودکان خیابانی به گفته برخی نهادهای حامی حقوق کودک، روزانه تا ۱۰۰ هزار تومان هم می‌رسد.

شناسایی باندهای سازماندهی کودکان خیابانی جمع‌آوری ضایعات و زباله‌گردی فعلاً هم برای کودکان ایرانی و غیرایرانی نان و آب شده است و هم برای "باندها" و گروه‌هایی که این کودکان را سازماندهی می‌کنند.

همزمان با نگرانی‌ها از افزون شدن جمعیت کودکان خیابانی، فرزانه مروستی، مدیرکل دفتر امور اجتماعی و فرهنگی استانداری تهران، از اجرای طرحی برای شناسایی به گفته او "باندهای مافیایی قاچاق کودکان خیابانی" خبر داده است. در این طرح که قرار است از چهارشنبه ۱۹ آذر اجرا شود، نیروی انتظامی نسبت به شناسایی باندهایی اقدام می‌کند که به گفته خانم مروستی، کودکان را در سر چهارراه‌ها به کار گرفته و شب‌ها آنها را جمع‌آوری می‌کنند.

قرار شده در این طرح، سازمان بهزیستی با نیروی انتظامی همکاری کند. بهزیستی

در حالی که سازمان‌ها هنوز آمار دقیقی از کودکان کار و خیابانی ندارند، قرار است از ۲۰ آذر ماه، نیروی انتظامی "باندهای مافیایی" کودکان خیابانی ایرانی و غیرایرانی را شناسایی کند. گفته شده ۴۰ درصد کودکان خیابانی، افغانستانی هستند. به گزارش دویچه وله، جمع آوری و سازماندهی کودکان کار در ایران بعد از ۲۰ سال‌کش و قوس و اعلام برنامه‌های مختلف توسط سازمان‌های دولتی و غیردولتی، همچنان کلاف سردرگمی در دست شهرداری‌ها، استانداری‌ها و اداره‌های بهزیستی است.

آمار دقیق موجود نیست

سازمان‌های متولی سازماندهی "کودکان کار و خیابانی" به دلیل نبود هماهنگی‌های لازم، آمار دقیق و رسمی از تعداد این کودکان ندارند و در این سال‌ها مرکزی برای گردآوری داده‌های مربوط به این پدیده تشکیل نشده است.

شهرداری تهران در حالی از وجود ۱۵ هزار کودک کار و خیابانی خبر می‌دهد که بهزیستی استان تهران گفته این تعداد به هفت هزار نفر می‌رسد. آمار دقیقی اما در اختیار این سازمان‌ها نیست. دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی دلیل آمار متفاوت سازمان‌ها را در "تعاریف" متعدد از کودکان کار و خیابان دانسته است. برخی آمارهای بدون منبع مشخص تحقیقاتی یا سرشماری، نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد کودکان خیابانی، ایرانی هستند و ۴۰ درصد بقیه تابعیت غیرایرانی (افغان) دارند. از این تعداد، کودکان و نوجوانان دختر و پسر ۱۰ تا ۱۵ ساله نیز به گزارش فارس، در کارگاه‌ها و زیرزمین‌های غیراصولی و غیرایمن کار می‌کنند. کودکان ۷ یا ۸ ساله هم در کارگاه‌های حاشیه تهران به کار گرفته می‌شوند.

وزارت کشور سال ۹۷ طرح سازماندهی کودکان کار و خیابان را اجرا کرد ولی

یاد باد هرای پلنگان زمستان چهل و نه

۱۹ بهمن امسال بمناسبت چهل و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل و بنیانگذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شهر هانوفر آلمان گرد هم می آییم تا همراه و هم صدا با هم یاد جان های شیفته ی راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی بداریم .

سخنرانان :

توکل از سازمان فدائیان (اقلیت)

سالار حسامی از سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

موسیقی : کاک علا صلاحیان . شعر خوانی احسان حقیقی نژاد

زمان : هشتم فوریه ۲۰۲۰ برابر با نوزدهم بهمن ماه ۱۳۹۸

بیانندیش شعری از شاعر انقلابی سعید سلطانپور

دندان چرخهای کارخانه
حریصانه

می جود

نیروی کار کارگران را

عباس پشت دستگاه پرس ایستاده است

محمود می دود ،

این سو ، آن سو .

من خود تراشکار جوانی هستم،

(من شکل می دهم به آهن و فولاد)،

من کار می کنم،

و می اندیشم :

چه حکمتی است که محمود ،

هی می دود ؟...

عباس

هی عرق میریزد؟...

چه حکمتی است که

حیدر غلام - ناصر صادق و ...

هی کار میکنیم ،

هی می دویم ،

اما نمی رسیم ؟...

چه حکمتی است که لیلای کوچک

من،

می پژمرد گل رویش هر روز ؟

چه حکمتی است که " مسیو"

با آنکه تحت رژیم غذائیست

هی مثل کارخانه ما باد میکند

شکمش گنده میشود

اما نمی ترکد ؟

چه حکمتی است که " مادام" ،

زن مسیو فلان

همان که مثل گربه وحشی،

دو چشم ترسناک و شروری دارد

آزرده می شود از بوی کارگر؟

چه حکمتی است که حاجی ،

(همان که ویسکی اسکاچ میخورد،

همانکه نوکر مستر فلان ینگه دنیائی

است)

ادعا میکند :

" من یک وطن پرست مسلمانم

دلم برای کارگران،

دلم برای کارخانه ،

دلم برای اقتصاد ورشکسته کشور ،

می سوزد "

من یک تراشکار جوانم



مراسم بزرگداشت چهل و نهمین سالگرد حماسه ی سیاهکل

زمان ۸ فوریه ۲۰۲۰ (از ساعت ۱۸)

مکان: آلمان- هانوفر، خانه کارگاه

Zur Bettfedernfabrik 1, 30451 Hannover

سخنرانان: توکل سازمان فدائیان(اقلیت) و سالار حسامی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

موسیقی: کاک علا صلاحیان، شعر: احسان حقیقی نژاد

برگزار کنندگان: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، سازمان فدائیان(اقلیت)

**کار کمونیستی آخر هر ماه زیر
نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست منتشر می شود .
برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی
از آدرسهای زیر تماس بگیرید :**

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azar@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karj@fedayi.org

من کار می کنم ،

و می اندیشم ،

تو هم

عزیز ،

برادر ،

رفیق ،

بیانندیش :

دنیا به دست ماست که آباد میشود ،

ثروت ز رنج ماست که ایجاد میشود،

هر کجا ظلم و ستم هست بی گمان ،

از اتحاد ماست که برپا میشود

زنجیر غارت سوداگران ز دست و

پای جهان ،

از پتک و داس ماست که آزاد میشود

،

دنیای کارگران نیست این سرای ستم

،

دنیای دیگر نیست که بنیان میشود ...